

علیه الصلوة والسلام چون کسی را تفویض و لایق فرمودی
 اورا وصیت کردی که از آداب حاجات محبوب نشود و در
 بردی ایشان نیندود و حضرت سید المرسلین علیه افضل
 صلوات المصلین دعا فرموده اللهم من دل من امرائی شیئا
 فرقی بهم فافرق بی و من ولی من امرائی شیئا فافرق
 فاشفق علیه و در آثار ما نوره است که فرعون بان طغیلان
 و کفران در حمایت در حاکمیت نیکو بود یکی اگر سهل آید بود
 و آداب حاجات را با ساقی وصول با و مقصود و دیگر اگر کج
 بود که ممتحلی بود و طوائف نام را از مواید انعام عام
 او احتطای بود و مبالغاه در کرم بمرتبه بود که روایت کرده اند
 که زنی از جنی اسیر را وضع حمل شد و اغذیه که مناسب
 انجبال باشد در مطبخ معد نبود و چون از انفعی خبر یافت اش
 قرش اشتعال بذیرفت و مطبخی از او شور غضب عاصه
 نایره هلاک ساخت و بعد از آن مقرر کرد که هر روز انواع اغذیه
 که مناسب و لایق طبقات نامس از اصحاب و مرضی برآید بود

از

دارند و هر کس آنچه مناسب حال او باشد برسانند و چون بلخ
 عواصف جلال الهی از بهر تیرانمانی زمین گرفت و شیب
 نافذ انزل یقع و قطع او متعلق شد به قضای ان الله لا یغیر
 ما یقوم حتی یغیر ما یا نأفکیم هر دو خصمت را بعد از تبدیل
 کرده بود تنقش بر بنه رسید که در روز روشن چون شب تاری
 در حجاب تواری مانده و چون غمقای مغرب در مغرب از او انتفا
 بلکه چون حفاش بدر در لچ او باره و اشفا ما و اکرته و بغیر از
 المیس و جزو ادبچاس را مجال ملاقات او در چنانچه حضرت
 موسی علی شپنا و علیه السلام چون بر شریف تکلم مشرف شد
 در همان شب با الهی بدر قصر او آمده و یک سال بر آن درگاه
 می بود و مجال ملاقات فی یافت تا روزی یکی از نمای مجلس او
 بقصد استهزا عرض کرد که صورتی غریب ساخته شخصی باین
 صفت بدر ایستاده میگوید که من در ستاده خدام و پنا
 چند دارم فرعون گفت او را بسیار طلبید که با او تضاحک
 و تشکر کنیم چون طلب نمود بعد از مناظره که کلام حقان اعلام

شرح احوال اهل کاف
 و اسرار و عقوبات
 کفر و ایمان